

رخصتی های دلخواه

وقتی من خورد بودم خوش داشتم هر زمستان به خانه مادر کلانم بروم. مادر کلانم گاو ها و مرغها داشت. من مادر کلان خود را کمک می کردم تا به گاو ها و مرغها نان بدهد. من تمام ما زمستان را در خانه مادر کلانم می گزراندم. در وقت زمستان بچه ها کاغذ پران بازی میکنند. من کاغذ پران بازی را بسیار خوش داشتم.

Favorite vocation

When I was little I liked to go to my grandmother's house. My grandmother had cows and chickens. I used to help my grandmother feed the cows and the chickens. I used to spend all the winter months in the house of my grandmothers. In the winter time boys fly their kites. I liked to fly my kites.